

رویکرد مسئله‌محور در تفسیر حیات طیبه در آیه ۹۷ نحل

* زهره السادات نبوی
** احد فرامرزی قراملکی
*** قاسم درزی

چکیده

رویکرد مسئله‌محور یکی از شیوه‌های اثربخش «تدبر در قرآن» است. این رویکرد در برابر رهیافت موضوع‌محور و رهیافت مفهوم‌محور به کار می‌رود. بررسی تاریخی روی‌آوری مفسران به آیه ۹۷ سوره نحل نشان می‌دهد که نداشتن رویکرد مسئله‌محور موجب شده است که بسیاری از آنها بدون ذکر هیچ نکته‌ای از این آیه گذر کنند و بسیاری نیز که به تفسیر آیه پرداخته‌اند فقط به بیان نکات پراکنده و بدون انسجام اکتفا نمایند. این پژوهش روشن کرده است که تاکنون تنها سه تن از مفسران، مواجهه مسئله‌محور با این آیه داشته‌اند و توانسته‌اند بدین شکل به مقومات و خصوصیات حیات طیبه دست یابند. در این مقاله پس از تحقیق در مفاد این آیه، ۱۲ مسئله مهم و شایسته پژوهش مرتبط با این آیه ارائه شده و به اجمال برای برخی از آنها روش صحیح حل آنها بیان شده است.

واژگان کلیدی

آیه ۹۷ نحل، حیات طیبه، رویکرد مسئله‌محور، رویکرد موضوع‌محور.

zs.nabavi@yahoo.com
ghmaleki@ut.ac.ir
ghasemdarzi@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۲۶

*. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول).
**. استاد دانشگاه تهران.
***. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۲

طرح مسئله

رویکرد مسئله‌محور با به میان آوردن مسائل، حقایق ژرف قرآنی را نشان می‌دهد که به نگاه نخست فرا چنگ محقق نمی‌افتد. در واقع هر مسئله‌ای به‌منزله توری برای شکار حقیقت یا حقایقی است. اخذ رهیافت مسئله‌محور به‌ویژه در مطالعات مربوط به پایان نامه و رساله ضرورت دارد تا اثربخشی آنها را افزایش دهد و نوآوری در پژوهش را ممکن سازد. در رویکرد مسئله‌محور محقق در مواجهه با آیه قرآنی درگیر مسئله‌ای می‌شود که این مسائل سبب باز شدن دریچه‌های جدید معرفتی به روی پژوهشگر می‌شود. اگرچه این مسائل از مضمون و یا نحوه تعبیر در آیه برمی‌خیزند اما تامل در آنها نیازمند ذهن مسئله‌یاب است، عوامل مختلفی در حصول ذهن مسئله‌یاب موثرند. از این عوامل می‌توان به مواردی چون: نظام آموزشی، توانایی تفکر انتقادی و مهارت مطالعه بین رشته‌ای اشاره کرد. در حقیقت بحث تفصیلی از این عوامل محتاج تحقیق دیگری است و این مقاله بر آن است تا با نمایش رویکردهای مختلف مفسران به آیه ۹۷ سوره آل عمران و نشان دادن تمایز مواجهه مسئله‌محور و موضوع‌محور آنها با این آیه، به استنتاج مسائل موجود در این آیه بپردازد و به شکل مطالعه‌ای موردی^۱ برتری رویکرد مسئله‌محور به موضوع‌محور در معرفت‌زایی را نشان دهد.

راه دستیابی به پژوهشی روش‌مند در آیات قرآن کریم و پرهیز از پراکنده‌گویی و جمع‌آوری صرف مطالب، اخذ رویکرد مسئله‌محور در فرآیند تفسیر است. در حقیقت بررسی تاریخی تفاسیر موجود از آیه مورد نظر نشان می‌دهد که غالب مفسران با نگرش موضوع‌محور به این آیه پرداخته‌اند و همین امر موجب شده است که بسیاری از حقایق فراچنگ آنها قرار نگیرد و مسائل فراوانی را بی‌پاسخ رها کنند. معدودی از مفسران نیز که رویکردی مسئله‌محور داشته‌اند نتوانسته‌اند همه جانبه و فراگیر به بررسی مسائل موجود در آن مبادرت نمایند. برشمردن مسائل موجود در این آیه و ارائه روش پرداختن به این مسائل می‌تواند دریچه‌ای جدید را در مطالعات قرآنی به روی پژوهشگران این حوزه بگشاید.

حیات طیبه در قرآن کریم

حیات طیبه یکی از ترکیب‌های کلیدی است که تنها یک‌بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. (نحل / ۹۷) البته آیه دیگری نیز در قرآن وجود دارد که می‌تواند معنای این ترکیب را در بر داشته باشد: «وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا ...» (احقاف / ۲۰) در این آیه خطاب به مشرکان و در توبیخ آنها به اینکه آنها طیبات زندگی دنیا را از دست داده‌اند اشاره شده است. به جز

1. Case Study.

این دو آیه، آیه دیگری را در قرآن کریم نمی‌توان یافت که ترکیب «حیات» و «طیب» در آن به کار رفته باشد. البته کاربرد هر یک از این دو واژه با کلمات دیگر به کثرت اتفاق افتاده است: «حَيَاةٌ طَيِّبَةٌ» (نحل / ۹۷)، «كَلِمَةَ الْكُفْرِ» (توبه / ۷۴)، «كَلِمَةَ التَّقْوَى» (فتح / ۲۶)، «كَلِمَتُ رَبِّكَ» (انعام / ۱۱۵)؛ یونس / ۳۳؛ هود / ۱۱۹؛ غافر / ۶؛ «كَلِمَةُ الْعَذَابِ» (زمر / ۱۹ و ۷۱)؛ «كَلِمَةُ الْفُصْلِ» (شوری / ۲۱)؛ «كَلِمَةً طَيِّبَةً» (ابراهیم / ۲۴)؛ «كَلِمَةً بَاقِيَةً» (زخرف / ۲۸)؛ «كَلِمَةً حَبِيبَةً» (ابراهیم / ۲۶). اهمیت حیات طیب، ما را بر آن داشته است تا در این مقاله با نگاهی درجه دو به تفاسیر موجود، به گونه‌شناسی رویکرد مفسران از جهت مسئله‌محور بودن و عدم آن در این آیه پرداخته و اهمیت مسئله‌محور بودن مفسر در مواجهه با آیات نشان داده شود.

گونه‌شناسی رویکرد مفسران در مواجهه با «حیات طیبه»

بررسی تاریخی تفاسیر مربوط به این آیه تفاوت آشکاری را بین رویکرد مسئله‌محور و عدم آن را نشان می‌دهد.

الف) رویکرد غیر مسئله‌محور با «حیات طیبه»

مفسرانی که رویکرد مسئله‌محور به این آیه نداشته‌اند یا بدون هیچ بحث یا اشاره‌ای از کنار آن گذشته‌اند و یا به صرف جمع‌آوری نظرات پیرامون این آیه اکتفا کرده‌اند. از جمله تفسیرهایی که بی‌توجه از کنار این موضوع مهم عبور کرده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مجاز القرآن تألیف ابو عبیده معمر بن مثنی در قرن سوم منسوب به مذهب خارجی با رویکرد ادبی.
۲. احکام القرآن تألیف ابن عربی در قرن ششم از اندیشمندان اهل سنت با رویکرد فقهی.
۳. المنتخب من تفسیر التبیان تألیف ابن ادریس حلی در قرن ششم از اندیشمندان شیعه با رویکرد کلامی و اجتهادی.
۴. نهج البیان عن کشف معانی القرآن تألیف محمد بن حسن شیبانی در قرن هفتم از مفسران شیعه با رویکرد روایی.
۵. تفسیر المعین تألیف محمد بن مرتضی کاشانی در قرن یازدهم از مفسران شیعه با رویکرد روایی.
۶. تفسیر القرآن الکریم تألیف سید عبدالله شبر در قرن سیزدهم از مفسران شیعه با رویکرد تربیتی.
۷. مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن تألیف سید عبدالاعلی موسوی سبزواری در قرن چهاردهم از مفسران شیعه با رویکرد اجتهادی.

۸. *حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر* تألیف سید عبدالحجة بلاغی در قرن چهاردهم از مفسران شیعه با رویکرد تاریخی و تطبیقی.
۹. *تفسیر خسروی* تألیف علیرضا میرزا خسروانی در قرن چهاردهم از مفسران شیعه با رویکرد تربیتی.
۱۰. *تفسیر المبین* تألیف محمدجواد مغنیه در قرن چهاردهم از مفسران شیعه با رویکرد تربیتی.
۱۱. *التفسیر للکتاب الله المنیر* تألیف محمد کرمی حویزی در قرن پانزدهم از مفسران شیعه با رویکرد تحلیلی و کلامی.
۱۳. *تفسیر روشن* تألیف حسن مصطفوی در قرن پانزدهم از مفسران شیعه با رویکرد اجتهادی و عرفانی.
۱۴. *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن* تألیف محمد صادقی تهرانی در قرن پانزدهم از مفسران شیعه با رویکرد قرآن به قرآن.
۱۵. *تفسیر علین* تألیف سید عباس سید کریمی حسینی در قرن پانزدهم از محققان شیعه.
۱۶. *الموسوعة القرآنیة* تألیف ابراهیم آبیاری در قرن پانزدهم از محققان اهل سنت با رویکرد دانشنامه قرآنی.

نداشتن رویکرد مسئله محور در ارتباط با این آیه موجب شده است که هیچ کدام از این تفاسیر در زمینه این آیه به بیان قابل ملاحظه‌ای نپردازند. البته نداشتن رویکرد مسئله محور لزوماً به معنای نپرداختن به تفسیر نیست. بلکه در موارد بسیاری نیز دیده شده است که مفسران بدون چنین رویکردی به تفسیر پرداخته‌اند اما نتیجه آن تنها جمع نظرات مختلف و بیان آنها بوده است و شاهد ایجاد معرفت جدید تفسیری در چنین تفاسیری نخواهیم بود. دیدگاه‌های مختلف تفسیری در مورد «حیات طیبه» در این تفاسیر را می‌توان چنین طبقه‌بندی کرد:

۱. **روزی حلال و پاکیزه؛** برخی از مفسران «حیات طیبه» در آیه مورد نظر را عبارت از روزی حلال و پاکیزه دانسته‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۱۴ / ۱۱۴؛ طوسی، بی تا: ۶ / ۴۲۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹۳؛ بروجردی، ۱۳۶۶: ۴ / ۶۴)

۲. **قناعت و رضا به روزی و قسمت الهی؛** تفسیر «حیات طیبه» به قناعت و رضا نیز تفسیری است که بسیاری بدان اشاره کرده‌اند. این دیدگاه در تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۱۳۶۷: ۱ / ۳۹۰)، *التبیان* (طوسی، همان، ۶ / ۴۲۴)، *مجمع البیان* (طبرسی، همان، ۶ / ۵۹۳) بیان شده است. فخر رازی نیز نیکو بودن این دیدگاه را با این توضیح گزارش می‌کند؛ زندگی کسی در این دنیا پاکیزه نمی‌شود مگر زندگی

فرد قانع «قناعت پیشه» و زندگی آدم حریص همیشه در سختی و رنج است. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۶۷)، بیضاوی نیز در تفسیرش چنین استدلال می‌کند: این زندگی طیب است؛ زیرا زندگی چنین فردی همراه با گشایش مادی و آسانی است که رنجی در آن نیست و یا زندگی تنگدستانه و دشواری است، فرد، با قناعت پیشگی و رضایت به قسمت و توقع اجر بیشتر در آخرت، آن را بی‌رنج می‌کند، در حالی که زندگی کافر برخلاف آن است؛ زیرا اگر سخت باشد که در رنج است و اگر در گشایش و آسانی باشد، حرص و ترس از مرگ آسایش را از او می‌ستاند. (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۲۳۹)

۳. **روزی روز به روز؛** این دیدگاه، حیات طیبه را مانند دیدگاه‌های پیشین امری این‌جهانی می‌داند و آن به برخورداری رزق در هر روز تفسیر می‌شود. (بنگرید به: طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹۳؛ عاملی، ۱۳۶۰: ۵ / ۳۶۸). البته باید خاطر نشان کرد که عاملی قید «روزی‌ای را که به اندازه حاجت برسد» برای حیات طیبه آورده است.

۴. **توانگری و قناعت‌ورزی؛** این دیدگاه را به جهت جامعیت آن می‌توان به نحوی جمع دیدگاه‌های سابق دانست. (بنگرید به: کاشانی، ۱۳۳۶: ۵ / ۲۲۲)

۵. **زندگی مبتنی بر طاعت خدا؛** در این نظر تفسیری اگرچه حیات طیبه امری این‌جهانی دانسته شده است اما صفات آن را نه در ابعاد معیشت مادی بلکه در بُعد روحی جستجو می‌کند. این تفسیر از دیدگاه نخست عام‌تر است؛ زیرا روزی حلال مصداقی از زندگی مبتنی بر طاعت است. (بنگرید به: جرجانی، ۱۳۷۷: ۵ / ۱۹۸) بروجردی نیز این دیدگاه را چنین نقل می‌کند: «حیات طیبه، زندگی در اطاعت و فرمانبرداری از اوامر خداست، توانگر باشد یا بینوا». (بروجردی، ۱۳۶۶: ۴ / ۶۴)

۶. **حیات طیبه در قبر؛** (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹۳؛ عاملی، همان)

۷. **بهشت؛** طبرسی این دیدگاه را از طریق قتاده و مجاهد و ابن زید از حسن گزارش می‌کند و می‌گوید: «زندگی برای کسی طیب نمی‌شود مگر در بهشت» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۵۹۳) همین سخن را ابوالمحسن جرجانی نیز آورده است (جرجانی، ۱۳۷۷: ۵ / ۱۹۸) فخر رازی علاوه بر گزارش این دیدگاه از حسن و سعید بن جبیر چند دلیل عقلی و نقلی بر این دیدگاه دارد:

یک. مفاد آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهٗ». (انشقاق / ۶)

دو. حیات در بهشت، غنای بدون فقر، سلامتی بیماری‌ناپذیر، ملک بدون زوال و سعادت بدون شقاوت است و حیات طیبه نمی‌تواند جز آن باشد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۶۸)

۸. **سعادت؛** عاملی در تفسیر خود، این سخن را به نقل از والبی از ابن‌عباس گزارش می‌کند. (عاملی، ۱۳۶۰: ۵ / ۳۶۸)

ب) رویکرد مسئله‌محور مفسران با «حیات طیبه»

روی‌آوری دیگری که به آیات می‌توان داشت رویکرد مسئله‌محور است. در این‌گونه، مفسر با دغدغه ذهنی و درگیری مسئله‌محورانه، که بر اثر تناقض‌نماهای موجود در آیه و یا تناقض میان داده‌های مفسر با برداشت وی از آیات است، با آیات مواجه می‌شود. روی‌آوری مسئله‌محور مفسران با این آیه به قرار زیر است:

فخر رازی در مواجهه با آیه ۹۷ نحل سوالات متعددی را مطرح می‌کند:

۱. لفظ «مَنْ» در عبارت «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا» افاده عموم می‌کند پس فائده آوردن عبارت «الذکر و الانثی» چیست؟

۲. آیا این آیه بر این امر دلالت دارد که ایمان، با عمل صالح مغایر است؟

۳. ظاهر آیه اقتضای آن دارد که عمل صالح به شرط ایمان تأثیرگذار است در صورتی که ظاهر آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ» دلالت بر این دارد که عمل صالح چه همراه ایمان و چه بدون آن تأثیرگذار است. این تناقض چگونه قابل حل است؟ این حیات طیبه در دنیا حاصل می‌شود یا در قبر و آخرت؟ اگر در دنیاست، کم و کیف آن چیست؟

مسئله اول و سومی که فخر رازی در این آیه مطرح کرده است اصلی‌ترین مسائل او است. آشکار است که مسئله اول به جهت تناقض‌نمایی ظاهری موجود در خود آیه است و مسئله سوم نیز از تناقض‌نمایی میان این آیه و آیه دیگری در قرآن کریم پدید آمده است و دیگر مسائل وی نیز جنبه معرفت‌شناختی دارد.

وی ضمن گزارش دیدگاه‌ها به استدلال طیب بودن زندگی این جهانی می‌پردازد. اگر بر این اصل منطقی توجه شود که ادله تابع مدعیان است و آنچه ماخوذ دلیل است می‌تواند از مقومات مدعا نیز باشد بنا به قاعده «الحد و البرهان قد يتشركان» (فارابی، ۱۳۶۸: ۱ / ۳۰۶ - ۲۹۲)، می‌توان از ادله فخر رازی مقومات حیات طیبه را استنباط کرد. وی می‌گوید: زندگی مؤمن در دنیا به چند دلیل پاکیزه‌تر و خوش‌تر از زندگی کافر است:

دلیل نخست؛ مؤمن می‌داند رزق وی به تدبیر خدای متعال است و نیز می‌داند که خدا صاحب احسان و کریم است و جز صواب انجام نمی‌دهد و به همین سبب به هر چه خدا قضا و قدر نموده است راضی می‌گردد و مصلحت خود را در آن می‌یابد و چون کافر به این اصول نادان است، همیشه در حزن و شقاوت است.

دلیل دوم؛ مؤمن همیشه به لحاظ عقلی در انواع مصیبت‌ها تأمل می‌کند و وقوع آنها را به عنوان

قضای الهی پیش‌بینی می‌کند و لذا از وقوعشان خرد نمی‌شود.

دلیل سوم؛ قلب مؤمن به نور معرفت الهی منشرح است، چنین دلی با حزن دنیوی تنگ نمی‌شود. **دلیل چهارم؛** مؤمن می‌داند که امور خیر دنیوی پست‌اند، از این‌رو نه از بودنشان شادمان است و نه به از دست دادن آن غمگین است، مؤمن امور خیر دنیوی را قابل تغییر و زوال می‌داند و لذا به آنها دل نمی‌بندد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۰ / ۲۶۸) این توضیح، حیات طیبه را برخوردار از فرد مؤمن و صالح می‌داند که از سوی برای او آسایش و راحتی و خوشی همراه دارد «آنچه از برخی از مفسران گزارش کردیم» و از طرف دیگر این حیات طیبه با نگرش و شخصیت فرد به ویژه معرفت وی به خدا و جهان ارتباط دارد. بر این اساس می‌توان گفت عمل صالح و ایمان، تحولی را در فرد به وجود می‌آورد که معرفت خاص او به خدا، خود و جهان و دل نبستن به این دنیا از آثار آن است. از این‌رو معرفت یکی از مؤلفه‌های حیات طیبه است.

ابن عربی نیز در تفسیرش با این سؤال مقدر به تفسیر می‌پردازد که آیا هر عمل صالحی می‌تواند به حیات طیبه منجر شود؟ وی تنها عملی را که با توجه به استعداد شخص و به‌سوی کمال او باشد واجد چنین سرانجامی می‌داند. او سپس به پاسخ پرسش از چیستی چنین حیات طیبه‌ای می‌پردازد و آن را حیات نیکوی‌ای می‌داند که مرگی از پی آن نیست. حال پرسش این است که چگونه مرگی در پی چنین حیاتی وجود ندارد؟ اینجاست که او از مهم‌ترین مقومات حیات طیبه سخن گفته است: حیات حقیقی که مرگی به آن راه ندارد با تجرد از مواد بدنیه و درافتادن در انوار جاودان همچنین با لذت بردن از کمالات صفاتی و مشاهده تجلی افعال و صفات تحقق می‌یابد (ابن عربی، ۱۴۲۲: ۱ / ۳۶۶). چنین حیاتی حاصل تحول فرد در اثر عمل صالح و ایمان است. ملاحظه می‌شود که چگونه روی‌آوری مسئله‌محور به تولیدی جدید در تفسیر منجر می‌شود.

سید قطب نیز از مفسرانی است که به نظر می‌رسد رویکردی مسئله‌محور به این آیه داشته است. وی نیز تفسیر حیات طیبه به صرف برخوردار از ثروت و مکنت و دارایی را تفسیری تک‌بعدی می‌داند و حیات طیبه را تحولی در شخصیت فرد می‌انگارد که حاصل آن آرامش، رضا، دوستی دل‌ها، برکت و ... است. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۲۱۹۴)

در حقیقت در این مقاله واژه مسئله را به معنای اصطلاحی و متمایز از پرسش آموزشی به‌کار می‌بریم. می‌توان گفت سؤال به دو‌گونه است: پرسشی که فرد یادگیرنده در فرایند آموزش به سبب ندانستن خود یا برای رفع جهل شخصی خود می‌پرسد و از طریق یاددهنده «شخص یا منبع مکتوب» جهل خود را رفع می‌کند. گونه دوم رخنه‌ای معرفتی است که در پرتو پژوهش‌های

نظام‌مند پیشین به میان می‌آید و به‌وسیله پژوهش نظام‌مند پسین پاسخ می‌یابد. مراد ما از مسئله گونه دوم است. (بنگرید به: فراملکی، ۱۳۸۵)

تأمل در نحوه تعبیر، توجه به نکته‌های زبان‌شناختی، تحلیل سیاق، پیوستگی صدر و ذیل آیه، مقایسه موضوعی مضمون آیه با آیات بیش‌و‌کم همانند و همسان و بررسی تطبیقی مضمون آیه با رهیافت‌های برون دینی از جمله روش‌های رصد مسائل در آیه است. هر یک از این روش‌ها را در بحث از مسئله مربوط بیان می‌کنیم.

پژوهش مسئله‌محور ابتدا به استقصای کامل مسائل می‌پردازد و آنگاه برحسب علایق شخصی، توانایی‌های فردی یا گروهی، اولویت و ضرورت معرفتی یا اجتماعی مسئله‌ای را برمی‌گزیند و در گام سوم با تشخیص روش مناسب به تحلیل مسئله می‌پردازد به همین سبب در این مقاله روش‌های تحلیل هر مسئله نیز بیان می‌شود.

ج) مسائل پژوهشی در آیه ۹۷ سوره نحل

تامل در مضمون و نیز نحوه تعبیر در آیه ۹۷ سوره نحل و مقایسه آن با سایر آیات، مسائل گوناگونی را به میان می‌آورد که به عمده‌ترین این مسائل اشاره می‌شود:

یک. ترتیب در بیان زوج ایمان و عمل صالح

در قرآن ۶۳ مورد ایمان و عمل صالح به صورت یک زوج در کنار هم بدون فاصله یا با اندک فاصله‌ای بیان شده است. به لحاظ ترتیب و فاصله فراوانی در ۶۱ مورد، ایمان مقدم شده و بلافاصله عمل صالح آورده شده است اما در دو مورد، عمل صالح مقدم بر ایمان آمده است؛ از جمله در این آیه و آیه چهلم سوره غافر که ابتدا عمل صالح آمده و با فاصله‌ای اندک به ایمان اشارت رفته است. حال پرسش این است که مقصد و هدف چنین تمایزی در کاربرد چیست و آیا چنین تغییری در ترتیب، افاده معنای ویژه‌ای می‌کند؟

دو. نحوه تعبیر از اهل ایمان و اهل عمل صالح

در اغلب موارد هنگامی که در قرآن کریم، ایمان و عمل صالح به صورت زوج به‌کار می‌رود تعبیر «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» و یا تعبیری همسان آن آمده است اما در چهارده مورد، تعبیر متفاوتی به کار رفته است. به‌عنوان مثال «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» به صورت «من عمل صالحاً»؛ یعنی به‌کار بستن «من» به‌جای «الذین» و «هو مؤمن» به صورت مشتق اسم فاعل به‌جای «الذین آمنوا» یا

«من آمن» به کار رفته است، مسئله این است که آوردن جمله حالیه به شکل مبتدا و خبر و تعبیر «مؤمن» به جای «الذین آمنوا» مفید چه معنایی است و علت چنین تمایزی در کاربرد چیست؟

سه. پیوستگی مفهومی ایمان و عمل صالح

یکی از نخستین مسائل کلامی، پرسش از پیوستگی مفهومی ایمان و عمل صالح است. خلاصه چالش این است که آیا عمل صالح مقوم مفهومی ایمان و مؤلفه‌ای از آن است یا به‌عنوان یک امر عارض و به‌منزله خاصیت آن تلقی می‌شود. گفته شده است خوارج و معتزله، عمل صالح را مقوم ایمان تلقی کرده‌اند، اما متکلمان شیعه و اشاعره آن را امر بیرونی دانسته‌اند. (عاملی، ۱۴۰۹: ۵۷ - ۵۵؛ ایزوتسو، ۱۳۷۸: ۷۱ و بعد) این نزاع را می‌توان از طریق تأمل در نحوه تعبیر قرآن در بیان زوج ایمان و عمل پاسخ گفت. در این آیه «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا ... وَهُوَ مُؤْمِنٌ» می‌تواند مسئله پیوستگی مفهومی ایمان و عمل صالح را نشان دهد. بنابراین پرسش این است که آیا بر اساس این آیه می‌توان عمل صالح را مقوم مفهومی ایمان دانست؟

چهار. قید مرد و زن

در قالب آیاتی که زوج ایمان و عمل صالح بیان شده است هیچ قیدی دال بر جنسیت متصفین به این صفات نشده است، درحالی‌که در این آیه همانند آیه ۴۰ سوره غافر در بیان عامل عمل صالح، قید «مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى» آورده شده است، این قید برای تأکید در فراگیری است و اطلاق موجود در سایر آیات نیز مفید فراگیری است اما آیا چنین قیدی می‌تواند مفید معنای خاصی باشد؟ مفسرانی چون علامه طباطبایی در تفسیر المیزان و مکارم شیرازی در تفسیر نمونه، محمد صادقی تهرانی در *البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن* و ... این مسئله را مورد توجه قرار داده‌اند. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱ / ۳۸۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۱۹: ۱ / ۲۷۸)

پنج. پیامدهای ایمان و عمل صالح: «گونه‌شناسی»

در این آیه پیامدهای ایمان و عمل صالح بیان شده است. از این جهت این آیه قابل مقایسه با آیات فراوانی است که در آنها بحث پیامد ایمان و عمل صالح بیان شده است.

مقایسه این آیات و رصد مواضع خلاف و وفاق می‌تواند به ژرف‌نگری در این آیه کمک کند.

موارد زیر را می‌توان به عنوان پاداش در برابر ایمان و عمل صالح برای مؤمنان یافت:

۱. نبود ترس و حزن (بنگرید به: بقره / ۶۲ و ۲۷۷؛ مائده / ۶۹) در برخی دیگر بهشت به‌عنوان

- پاداش معرفی شده است: (بنگرید به: بقره / ۲۵؛ نساء / ۵۷؛ ابراهیم / ۲۳؛ حج / ۱۴ و ۲۳؛ محمد / ۱۲؛ طلاق / ۱۱؛ بروج / ۱۱؛ تغابن / ۹؛ عنکبوت / ۵۸)؛
۲. مغفرت و اجر عظیم (بنگرید به: مائده / ۹؛ فتح / ۲۹)؛
۳. مغفرت و رزق کریم (بنگرید به: سباء / ۴؛ حج / ۵۰)؛
۴. اجر بدون منت (بنگرید به: فصلت / ۸؛ انشقاق / ۲۵؛ تین / ۶)؛
۵. جنات النعیم (بنگرید به: حج / ۵۶؛ لقمان / ۸؛ یونس / ۹)؛
۶. پوشش گناهان (بنگرید به: محمد / ۲؛ تغابن / ۹؛ عنکبوت / ۷)؛
۷. خلود در بهشت (بنگرید به: بقره / ۸۲؛ اعراف / ۴۲؛ هود / ۲۳).

اما در این آیه به دو پیامد، یعنی حیات طیبه و پاداشی نیکوتر اشاره رفته است. مسلماً گونه‌شناسی و طبقه‌بندی پیامدهای ایمان و عمل صالح در مجموعه ۶۳ آیه پیش‌گفته و بیان اینکه این پیامدها این جهانی هستند یا اخروی، مادی‌اند یا معنوی، فردی هستند یا جمعی، مسئله قابل پژوهشی خواهد بود.

شش. پیامدهای ایمان و عمل صالح: هدف یا فایده؟

بیان نتایج و پیامدهای ایمان و عمل صالح می‌تواند این مسئله را به میان بیاورد که آیا این پیامدها اهداف هستند یا فواید؟ تعبیر «وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا ... وَ هُوَ مُؤْمِنٌ» در واقع اشاره به کسانی دارد که به وحی قرآن و پیام پیام‌آور خداوند پاسخ مثبت داده‌اند؛ زیرا دعوت پیامبر ﷺ، فراخوان به ایمان و انجام اعمال صالح است، بیان نتایج و پیامدها در این آیه به معنای این است که پاسخ مثبت به این پیام سبب چه تحولی و موجب پیدایش چه آثاری می‌گردد؟

مسئله‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نتایج و پیامدهای بیان شده در این آیه و سایر آیات، اهداف پاسخ مثبت به وحی است و یا فواید مترتب بر آنها، به دیگر سخن آیا این آثار و نتایج، جملگی و یا برخی از آنها علل غایی ایمان و عمل صالح هستند؟ چه اینکه تفسیر از غایت «ما لاجله الفعل أو ما ينتهي اليه الحركة» باشد و یا این آثار فوایدی هستند که علاوه بر اهداف بر ایمان و عمل صالح بار می‌شوند؟ آیا حیات طیبه و پاداش نیکوتر یافتن در این آیه هدف ایمان و عمل صالح است یا فایده آن؟

بررسی تاریخی تفاسیر نشان می‌دهد که هیچ مفسری خود را درگیر این مسئله نکرده است. با توجه به اینکه غایت، سبب فاعلیت فاعل می‌شود و موجب آوردن ایمان و انجام عمل صالح توسط افراد می‌گردد درحالی که فایده چنین نقشی ندارد، تمایز این دو در تفسیر آیه اهمیت به‌سزایی دارد و از آنجایی که هدف پنداری فایده از موارد مغالطه است تمایز یاد شده در زیست دینی اهمیت دارد.

هفت. رقابت‌پذیری دعوت دینی در پیامدها

بیان نتایج و پیامدهای پاسخ مثبت به وحی می‌تواند آن را به مقایسه و چالش هم‌آورد خواهی با سایر مکاتب بکشاند. به عبارت دیگر اگر قرآن از مخاطبان خود طلب ایمان و عمل صالح می‌کند، ضرورت یا فایده آن را با ذکر پیامدها مدلل می‌سازد. مکاتب دیگر نیز مخاطبان خود را به باور به آموزه‌های خود و پیروی از هنجارهای خود فرا می‌خوانند و پیامدهای پاسخ مثبت به این فراخوان را بیان می‌کنند. مقایسه این نتایج و پیامدها می‌تواند برتری رقابتی را در دعوت وحی اسلامی مورد بحث قرار دهد، این مسئله نیز مانند مسئله سابق در منابع تفسیری مورد بررسی قرار نگرفته است.

هشت. زنده کردن

در این آیه بر خلاف سایر آیات که به بیان پیامدهای ایمان و عمل صالح پرداخته‌اند، با تعبیر «فلنحیینه؛ زنده گرداندن شخص» بیان شده است. دقت در این تعبیر، این مسئله را به میان می‌آورد که آیا کاربرد زنده گرداندن در اینجا کاربردی حقیقی است یا به نحو استعاری به کار رفته است. ثمره نزاع در این مسئله این است که اگر این تعبیر را حقیقی و تحقق آن را در آخرت بدانیم، به آن دلالت خواهد داشت که خداوند انسان‌ها را در روز رستاخیز زنده می‌گرداند اما اگر برخورداری از حیات طیبه را متعلق به این جهان بدانیم، زنده گرداندن به معنای حقیقی کلمه در این عالم محتاج تفسیر و توضیح خواهد بود. در میان مفسران، علامه طباطبایی خود را درگیر چنین مسئله‌ای کرده است و راهی را برای فهم ژرف‌تر مضمون آیه یافته است. (بنگرید به: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۲ / ۳۴۱)

نه. تحلیل مفهومی حیات طیبه

در قرآن کریم واژه «طیب» به صورت صفت برای موصوف‌های فراوانی به کار رفته است: «حَالَاءٌ طَيِّبَاتٌ» (بقره / ۱۶۸، مائده / ۸۸، انفال / ۶۹، نحل / ۱۱۴)، «ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» (آل عمران / ۳۸)، «فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» (نساء / ۴۳، مائده / ۶)، «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ» (اعراف / ۵۸)، «بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ» (سبا / ۱۵)، «مَسَاكِنَ طَيِّبَةً» (توبه / ۷۲، صف / ۱۲)، «بَرِيحٍ طَيِّبَةٍ» (یونس / ۲۲)، «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ» (ابراهیم / ۲۴)، «الْكَلِمُ الطَّيِّبُ» (فاطر / ۱۰)، «حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل / ۹۷)، «وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور / ۲۶)، «مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ» (نور / ۶۱).

در مورد «حی» نیز باید گفت که این واژه هم از اسامی خداوند محسوب می‌شود و هم از صفات باری تعالی است اما ترکیب «حیات طیبه» تنها در این آیه به میان آمده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود چیستی مفهومی ترکیب «حیات طیبه» است. یکی از شیوه‌های پاسخ به این سؤال

تحلیل هر دو واژه است. واژه حیات در کاربرد متشرعان و دانشمندان به گونه اشتراک لفظی به کار می‌رود؛ از این رو گاهی تعریفی از آن ارائه می‌کنند که شامل نبات نیز می‌شود و گاهی نیز تعریف آنها شامل حیوان و انسان می‌گردد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۸ / بخش ۱) اما پرسش اصلی این است که حیات طیبه در میدان معناشناختی قرآن دارای چه معنایی است و چه نسبتی با کاربردهای این واژه در پیش از نزول قرآن دارد؟

ده. مراتب و ابعاد حیات طیبه

آیا حیات طیبه به عنوان یک پیامد مهم ایمان و عمل صالح امری بسیط و متواطی است یا امری مشکک که دارای مراتب و ابعاد مختلف است؟ به دیگر سخن آیا مراتب مختلفی از حیات طیبه وجود دارد؟ اگر جواب مثبت است، این مراتب چه متغیرهایی است؟ آیا ایمان و عمل صالح خود مشکک و دارای درجات هستند، به گونه‌ای که مراتب حیات طیبه تابع درجات ایمان و عمل صالح باشند؟ آیا حیات طیبه دارای ابعاد گوناگونی است؟ یعنی در زندگی فردی و اجتماعی ابعاد گوناگونی دارد، به گونه‌ای که بتوان طیبه بودن حیات را در ابعاد شناختی، هیجانی و هنجاری انسان‌ها و ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنان رصد کرد. آیا به تبع تحلیل زیست آدمی به ابعاد مختلف جسمی، روانی، فردی، سازمانی و اجتماعی، حیات طیبه نیز ابعاد مختلفی دارد؟

یازده. مصداق حیات طیبه

مفسران در اینکه حیات طیبه کدام است اختلاف نظر دارند. به عبارت دیگر می‌توان یک مسئله تاریخی را در دو بخش توصیفی و تبیینی به میان آورد:

مفسران در طول تاریخ علم تفسیر مراد از حیات طیبه را چه دانسته‌اند؟ پاسخ به این سؤال چه تطوری یافته است؟ علت موضع‌گیری‌ها در پاسخ به این سؤال چه بوده است؟ آیا بین «رهیافت مفسر» مانند رهیافت روایی، ادبی، عرفانی، فلسفی و همچنین «مذهب مفسر» با پاسخی که به این سؤال می‌دهد ارتباطی وجود دارد؟ این مسئله به لحاظ گونه‌شناسی مسئله درجه دوم است؛ زیرا به جای آنکه مراد از حیات طیبه را بپرسد پاسخ مفسران به این مسئله را از موضعی فرا دیدگاهی تحلیل می‌کند و هدف از این مسئله پاسخ به چپستی و کدامی حیات طیبه نیست بلکه هدف، فهم و تبیین رهیافت‌های مختلف دانشمندان در بررسی تاریخی و تطبیقی و کشف عوامل مؤثر در رویکرد آنان است.

دوازده. پیوستگی بین حیات طیبه و پاداش نیکوتر

در این آیه دو پیامد اصلی ایمان و عمل صالح بیان شده است: یکی زنده گرداندن به حیات طیبه و

دیگری برخورداری از پاداش نیکوتر از آنچه بدان عمل کرده‌اند. تأمل در این آیه این مسئله را به میان می‌آورد که این دو پیامد چه ارتباط مفهومی و یا عینی با یکدیگر دارند؟ آیا آنها دو بیان از یک پیامد هستند؟ آیا آنها دو پیامد مجزا اما مرتبط هستند؟ آیا حیات طیبه پیامد نخستین و پاداش نیکوتر پیامد مرتبه دوم است؟ آیا پیامد نخست پیش از مرگ و پیامد دوم پس از مرگ تحقق می‌یابد؟ مسلماً پاسخ به این سؤال‌ها خواهد توانست ابعاد معرفتی جدیدی را به روی مفسر بگشاید.

در اینجا شایسته است که پس از بیان مسائل محتمل در این آیه به شکلی مختصر به مباحثی نظری در ارتباط با حل مسائل پیش‌گفته پرداخته شود. آشکار است که بیان تفصیلی در این زمینه نیازمند پژوهش دیگری است.

روش‌شناسی پژوهش در مسائل

پژوهش اثربخش در گرو سه مهارت عمده است:

۱. مهارت صید و صورت‌بندی مسئله؛

۲. مهارت تشخیص روش مناسب؛

۳. مهارت به‌کار بستن روش و فنون و ابزارهای آن.

بحث کافی از روش‌شناسی مسائل یادشده نیازمند نوشتار مفصل دیگری است، در اینجا به بیان

چند نکته بسنده می‌شود:

یک. تدوین فرضیه؛ در ضرورت تدوین فرضیه تحقیق دو دیدگاه موافق و مخالف وجود دارد: برخی، پژوهش بدون فرضیه را «تیر افکندن در تاریکی» می‌دانند و اثربخشی پژوهش را در گرو تدوین فرضیه می‌انگارند. از نظر آنها تحقیق کامیاب بدون فرضیه محال نیست اما امر نادرستی است. مخالفان، وجود فرضیه را امر محدودکننده و مانع خلاقیت و ابتکار تحقیق می‌دانند.

براساس قول به الزام فرضیه گام نخست پژوهش، پس از تقریر روشن مسئله، تدوین فرضیه است. هر مسئله‌ای فرضیه‌های گوناگون می‌یابد. محقق فرضیه‌ای را برمی‌گزیند و دو کار در پیش می‌گیرد: اثبات فرضیه تحقیق و نقد و طرد فرضیه‌های رقیب. تلاش برای جمع بین فرضیه‌های رقیب و به ظاهر متعارض، پس از رفع تعارض از آثار و برکات رهیافت بین رشته‌ای است. در مواضعی به ظاهر امر بین نفی و اثبات دایر می‌شود، مثلاً در مسئله سوم، پیوستگی مفهوم ایمان و عمل صالح، دو فرضیه به صورت رقیب در میان بوده است: مقوم‌انگاری عمل صالح برای مفهوم ایمان و نفی آن. محقق ممکن است فرضیه سوم را به میان آورد: مقوم‌انگاری ایمان برای عمل صالح. همچنین

است مواجهه با هدف یا فایده انگاری پیامدهای ایمان و عمل صالح. اما در مسائلی چون تحلیل مفهومی حیات طیبه مجال فرضیه‌های گوناگون است.

دو. روش و رویکرد مناسب؛ بررسی فرضیه‌ها و به‌طور کلی تحلیل مسائل تحقیق محتاج رهیافت و روش مناسب است. به تبع گوناگونی مسائل روش‌ها نیز گوناگون است. در دو مسئله نخست تحلیل زبانی و بررسی زبان‌شناختی ولی در مسئله سوم فهم رهیافت تحلیل مفهومی و روش‌های مفهوم‌سازی و نقد تعریف مناسب هستند.

مسئله یازدهم را با رهیافت تطبیقی و رویکرد تاریخی می‌توان پاسخ داد، درحالی‌که مسائلی مانند مسئله هشتم و دهم نیازمند رهیافت بین رشته‌ای‌اند، زیرا با تعامل روش‌مند بین رهیافت‌های فلسفی، عرفانی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و پدیدارشناختی می‌توان ابعاد و مراتب حیات طیبه را پژوهش کرد. مسئله نهم را نیز می‌توان به‌وسیله شیوه‌های منطقی تعریف و نیز رهیافت معناشناختی جدید پاسخ گفت.

البته باید گفت که بحث تفصیلی و مستدل از روش‌های مناسب نیازمند پژوهش دیگری است و نمی‌توان در این مختصر به این موضوع نیز پرداخت.

نتیجه

رویکرد مسئله‌محور یکی از شیوه‌های اثربخش «تدبر در قرآن» است. این رویکرد را در برابر رهیافت موضوع‌محور و رهیافت مفهوم‌محور به کار برده می‌شود. در این رویکرد با به میان آوردن مسائل، حقایق ژرف قرآنی نشان داده می‌شود که با نگاه نخست فراچنگ محقق نمی‌افتد.

غالباً مفسران به دلیل نبود رویکرد مسئله‌محور از کنار آیه ۹۷ نحل عبور کرده و هیچ مطلب تفسیری در این زمینه ارائه نکرده‌اند.

بسیاری از مفسران نیز که به این آیه پرداخته‌اند، با رویکرد موضوع‌محور بوده و نتوانسته‌اند به زوایای تفسیری مهم موجود در آیه و مقومات حیات طیبه دست یابند.

تنها معدودی از مفسران مواجهه مسئله‌محور با این آیه داشته و به خوبی توانسته‌اند مقومات حیات طیبه را از این آیه استخراج نمایند.

با بررسی زوایای مختلف این آیه می‌توان ۱۲ مسئله بسیار مهم و قابل پژوهش را از آن استخراج کرد که بررسی تاریخی تفاسیر نشان می‌دهد که به‌جز معدودی از این مسائل، دیگر مسائلی که در اینجا بیان شد مورد توجه مفسران قرار نگرفته است و با توجه به روش درست حل آنها می‌توان به بررسی آنها پرداخت.

در مورد روش‌شناسی پژوهش در مسائل پیش گفته نیز باید گفت که: پژوهش اثربخش در گروه سه مهارت عمده است: مهارت صید و صورت‌بندی مسئله، مهارت تشخیص روش مناسب، و مهارت به‌کار بستن روش و فنون و ابزارهای آن.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.

- آبیاری، ابراهیم، ۱۴۰۵ ق، الموسوعة القرآنية، بیروت، مؤسسه سجل العرب.
- ابن‌ادریس، محمد بن احمد، ۱۴۰۹ ق، المنتخب من تفسیر التبیان، قم، مکتبه آیه‌الله نجفی مرعشی.
- ابن‌عربی، ابو عبدالله محی‌الدین محمد، ۱۴۲۲ ق، تفسیر ابن‌عربی، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ایزوتسو، تونی هیکو، ۱۳۷۸، مفهوم ایمان در کلام اسلامی، ترجمه زهرا پورسینا، تهران، سروش.
- بروجردی، سید محمد ابراهیم، ۱۳۶۶، تفسیر جامع، ج ۴، تهران، صدرا.
- بلاغی، عبدالحجّه، ۱۳۴۶، حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر، قم، چاپخانه قم.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، ۱۳۷۷، جلاء الازمان و جلاء الاحزان، ج ۵، تهران، دانشگاه تهران.
- خسروی، علیرضا، ۱۳۹۰ ق، تفسیر خسروی، تهران، اسلامیه.
- رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، ج ۲۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سبزواری موسوی، سید عبدالاعلی، ۱۴۲۹ ق، مواهب الرحمن، قم، دار التفسیر.
- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲ ق، فی ضلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
- شبّر، عبدالله، ۱۴۱۰ ق، تفسیر القرآن الکریم، قم، دار الهجره.
- شیبانی، محمد بن حسن، ۱۱۰۹ ق، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، بی‌جا.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۱۹ ق، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۱، قم، مکتبه محمد الصادق التهرانی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان لعلوم القرآن، ج ۶، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۰، *تفسیر عاملی*، ج ۵، تهران، صدوق.
- عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد، ۱۴۰۹ ق، *حقائق الایمان مع رسالتی الاقتصاد و العدالة*، قم، مکتبه آیه‌الله نجفی مرعشی.
- فارابی، محمد بن محمد، ۱۳۶۸، *المنطقیات*، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- قراملکی، احد فرامرز، ۱۳۸۵، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، ج ۱، قم، دار الکتاب.
- کاشانی، ملافتح‌الله، ۱۳۳۶، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۵، تهران، کتابفروشی محمدحسن علمی.
- کاشانی، نورالدین محمد بن مرتضی، ۱۳۷۰، *تفسیر المعین*، قم، مکتبه آیه‌الله نجفی مرعشی.
- کریمی حویزی، محمد، ۱۴۰۲ ق، *التفسیر لکتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.
- کریمی حسینی، عباس، ۱۳۸۲، *تفسیر علیین*، قم، اسوه.
- محمد بن عبدالله، ابی بکر، ۱۴۰۸ ق، *احکام القرآن*، بیروت، دار الجبل.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، *شرح اسفار*، ج ۸، تهران، نشر بین‌الملل، ج ۷.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۷۱، *تفسیر روشن*، تهران، سروش.
- معمر بن مثنی، ابو عبیده، ۱۳۷۴ ق، *مجاز القرآن*، قاهره، مکتبه الخانجی.
- مغنیه، محمدجواد، بی تا، *تفسیر المبین*، تهران، بنیاد بعثت.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۱۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.